

قوای خارجی بودند چه کردند؟ و اگر بروند چه میشود؟؟؟

بخش اول – استاد (صبح)



(بررسی سالها موجودیت قوای خارجی و چالشهای که یخن گیر کشور بعد از خروج این نیرو ها میگردد و با استناد به تحلیل ها و بررسی های مهم تحلیلگران و نهادهای بین المللی)

وطندار از برایت گریه کردم

برای درد هایت گریه کردم

ز ظلم و خود سری های این و آن

شنیدم تا نوایت گریه کردم.

افغانستان دچار بحرانها و مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی شده است. عملکرد یک بام و دو هوا، هم به میخ و هم به نعل، هم لعل بدست آید و هم دل یار نرنجد، به شکلی از اشکال تقویت مخالفین، حمایت بی دریغانه و همیشگی تفنگدارانی که در آغوش اداره کرزی لمیده اند، چاق شدن تشنج های داخلی و اختلافات قومی و زبانی و کم کاری نیروهای خارجی، مصلحت گرایی و بی کفایتی کرزی، زورگویی و چپاولگری جنگ سالاران تنظیمی، عامل اساسی مشکلات جامعه افغانستان بوده اند. همین عوامل با خود، بی عدالتی، بی قانونی، جنگ، کشتار، ویرانی، نا امنی، آوارگی، فقر، مرض، فساد اداری، زمین خواری، بنیادگرایی، افراطگری، تبعیضات قومی و مذهبی، مواد مخدر و دهها مشکل دیگر را به مردم کشور خلق کردند و اینان سالهاست که دامن جامعه را محکم گرفته و زندگی آرام و خوش را از مردم کشور سلب نموده اند.



غبار غم بروی من نشسته
تنم خسته شده قلبم شکسته
شکستن کشتن و بستن و بردن
دری حقوق انسانی ره بسته.

عده ی معتقدند که پس از خروج نظامیان خارجی از افغانستان، حوادث سال های پس از ۱۳۷۱ که منجر به وقوع جنگ های داخلی شد، ممکن است یک بار دیگر تکرار شود. همانگونه که تاریخ گویاست، در سال ۱۳۷۱، پس از سقوط دولت نجیب الله و آمدن تنظیمها جنگ های شدیدی ادامه پیدا کرد که در نتیجه آن، ده ها هزار نفر کشته و میلیون های دیگر مهاجر و آواره شدند. دامنه این جنگ در طی سالیان متمادی، بیشتر زیربناهای اقتصادی وطن را از بین برد و شیرازه زندگی میلیون ها نفر را از هم پاشید. به عقیده این عده، خروج سریع نیروهای خارجی باعث افزایش دامنه بی ثباتی و خشونت شده و چه بسا به احیای مجدد "طالبان" و "القاعده" منجر شود. اما کسی نمیگوید که تداوم حضور این نیروها و با همین استراتژی کنونی و با اینگونه رویکرد فعلی چه پیامدی را در قبال خواهد داشت.

بهر صورت نیاز است تا این موضوع بررسی گردد و بدانیم که چه واقع خواهد شد.

در سال ۲۰۰۱ میلادی شورای امنیت سازمان ملل متحد با فشارهای دولت امریکا مجوز اعزام نیروهای نظامی به افغانستان را صادر کرد. هدف کاملاً مشخص و تعریف شده بود، شورای امنیت در فیصله نامه ای که به همین منظور صادر کرد پنج هدف را برای کشورهای حمله کننده به افغانستان تعیین نمود:

- مجازات و سرنگونی رژیم "طالبان" به اتهام پناه دادن به اسامه بن لادن رهبر شبکه تروریستی "القاعده" در افغانستان.

- مبارزه علیه تروریسم و پایان دادن به جنگ و خشونت و برقراری صلح و امنیت در افغانستان.

- تحقق دموکراسی و کمک به افغانها برای ایجاد حکومت منتخب.

- هموار ساختن راه جهت قانونمند شدن جامعه افغانستان، جامعه ای که در آن قانون حرف اول را بزند.

- کمک های مالی به منظور رشد و انکشاف افغانستان در عرصه اقتصاد، اجتماع و همچنین بازسازی و

فقرزدایی.

امریکا که در حوادث یازده سپتمبر برج های اقتدار و ابهت سیاسی و نظامی اش در واشنگتن و نیویارک فروریخته و در صدد انتقام گیری بود پلان حمله ی نظامی را طرح ریزی کرد و نخستین کشور عضو ناتو بود که پس از یک سلسله بمباران هوایی و کوبیدن مواضع و استحکامات "طالبان" بوسیله ی هواپیماهای بدون سرنشین، سرباز و تجهیزات جنگی به کشور فرستاد.

نیروهای خارجی هر کدام تامین کننده منافع کشورش بوده و بخصوص قوتهای آمریکایی در افغانستان به صورتهای گوناگون حضور و فعالیت دارند. بخشی از نیروهای آمریکایی را تیم های باز سازی ولایتی (PRT) تشکیل می دهند که در تمامی ولایات حضور دارند. افراد این تیم ها را صاحب منصبان نظامی تشکیل می دهند، هرچند که یونیفورم به تن ندارند. با آنکه این تیم ها با افرادی مسلح یونیفورم دار محافظت می شوند، در آنها افراد بی یونیفورم و یونیفورم دار حالت ثابت ندارند و از یک ولایت تا ولایت دیگر با هم تفاوت دارند. اعضای پی آر تی را بیشتر نیروهای ناتو تشکیل می دهند ولی کنترل و نظارت آنان باز هم به عهده آمریکا است.

پی آر تی در کنار برنامه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، مسئولیت بازسازی نظامی پولیس ولایات را نیز بر عهده دارد. افراد تازه وارد در پولیس ملی توسط این تیم ها آموزش می بینند. این تیم ها در قومندانی های امنیه ولایات نفوذ دارند و در تمامی کارهای اداری دولتی در ولایات مداخله می کنند. بدین ترتیب امور اداری و امنیتی ولایات را تحت کنترل دارند و در عزل و نصب والیان تصمیم گیرنده اصلی محسوب می شوند. در کنار این مسئولیت ها، وظیفه مهم دیگر این تیم ها تحقیق و جمع آوری اطلاعات منطوقی برای دولت هایشان می باشند.

اسرار آمیز ترین بخش نیروهای آمریکا را کمپنی های امنیتی خصوصی آمریکائی تشکیل می دهند. گشت زنی در شاهراه ها، بدرقه کاروان های تدارکاتی، تأمین امنیت مراکز و شخصیت های خارجی از جمله مسئولیت های این کمپنی ها به حساب می آید. این کمپنی ها، عملیات های شبانه، خانه تلاشی ها، ربودن افراد و شکنجه آنها و حفاظت از زندان های آمریکا در افغانستان را، نیز بر عهده دارند. نیروهای این کمپنی ها را، نظامیان کشورهای مختلف تشکیل می دهند. اما صاحب منصبان آن ها، در مجموع آمریکایی اند و رهبری آن را آمریکایی ها بر عهده دارند. در آمارهای رسمی، معمولاً از کمپنی های امنیتی و تیم های بازسازی ولایتی، سخن به میان نمی آید.

اکنون سالها از این پیکار خونین و نافرجام میگذرد، سالهای که برای ما لحظات تلخ و ناگوار زیادی به همراه داشت سالهای جنگ و خشونت، سالهای جنون و دیوانگی دوطرف درگیر، سالهای حمله های خونبار هوایی و حمله های انتحاری و تروریستی، سالهای حضور نیروهای نزدیک به پنجاه کشور تحت پوشش فیصله شورای امنیت سازمان ملل متحد سالهای فقر و بیکاری مردم و فرار از کشور برای پیدا کردن یک لقمه نان حلال و گوشه ی امن و فارغ از جنگ و ترور. اکنون در پایان این سالهای تراژیدی، کشورهای که به افغانستان صد و پنجاه هزار سرباز فرستاده بودند به استثنای در ظاهر آهنگ خروج سر داده و برای بیرون بردن سربازان خود از کشور ۲۰۱۴ را ضرب الاجل نهایی قرار داده اند. اینکه رفتن یا نرفتن آنها به سود یا به ضرر افغانستان است

بحث جداگانه ايست چيزي كه در اين رابطه حايز اهميت است شكست ماموريت جنگي در اين جنگ و عدم توانايي آنها در اجراي شرايط مندرج در فيصله نامه ي شوراي امنيت سازمان ملل متحد در سالهاي گذشته است. در جنگ و نبرد، درين كش و گير، درين بزن بزن و بکش بکش و درين بستن و بردن و زور گفتن، توأم با خشونت و خونريزي همه روزه شاهد آن بوده ايم، تنها يكي از شرايط پنجگانه شوراي امنيت آنهم در مرحله ي نخست عملي گرديد اين شرط، سرنگوني امارت بدنام و كور ذهن "طالبان" بود كه در ۲۰۰۱ ميلادي عملي شد ولي اكنون اوضاع و احوال صحنه هاي جنگ به گونه ايست كه بقدرت رسيدن دوباره "طالبان" غيرمحمتمل به نظر نمي رسد. "طالبان" به كمك متحدين سياسي و ايدئولوژيكي خود در منطقه و بيش از همه به ياري عربستان سعودي، پاكستان و قطر خود را در يك قدمي تشكيل دوباره ي نظام منفور و عقبگرا مي بينند و در تمام اطراف و اكناف پايتخت حضور فزيكي دارند.

بقيه شرايط شوراي امنيت و اهدافي كه امريكا و ناتو درآغاز حمله براي خود تعيين کرده بودند حتى يك مورد عملي و اجرا نشده و يا نخواستند اجرا كنند. متاسفانه دموكراسي نيم بند وارداتي در كشور در حال مرگ است، اين دموكراسي و با اين گونه و شيوه به مجاز كشور برابر نيست و به قامت شكسته وطن نمي زيبد. اين دموكراسي نام نهاد، جنگ سالاران و تفنگداران را ثروتمند تر و زورگو و بي بند و بار تر و مظلومان را مظلومتر، حقوق انساني را منزوي تر، جرم و جنايت را افزون تر، ستم را بر زنان بيشتر و ثروتهاي مادي و معنوي ميهن را به چور و چپاول برابر تر كرد و آناني را كه بوجي بوجي دالر دادند و بر اريكه ي قدرت نشانيد و ظلم و ستم و حق تلفي و خونخواري را مروج و كوچك ترين صدای اعتراض را با گلوله و كشتن و بستن پاسخ ميدهند.

انتخاباتي كه در سال ۲۰۱۴ داشتيم و همه ديدند كه ما قانون داريم اما تطبيق نميشود ما انتخابات داريم ولي نه عادلانه است نه شفاف و نه همگاني. رأی مردم با پول خريده ميشود اكثر وكلا تاجران سياسي شده اند و در مجموع انتخابات بيشتر به يك زورگويي، تفنگ كشي و بي قانوني شباهت دارد. خارجيها تصوير ناهنجار دموكراسي را با خود آوردند و حتى اين تصوير در هم و برهم را هم نتوانستند و يا نخواستند بر روي ديوار خانه هاي مردم بياويزند.

متاسفانه در طول تاريخ پنجهزار ساله كشور هيچگاه و در هيچ مقطع تاريخ، در هيچ سلطنت و در هيچ زمامداري فاصله بين فقر و ثروت، فقير و سرمايه دار و ظالم و مظلوم تا اين حد عميق نبوده است، فساد به اوج خود رسیده است، حيف و ميل و تاراج بيت المال و سرمايه هاي ملي مملكت در حلقه كوچك قدرتمندان تفنگدار تنظيمي به يك عرف تبديل شده است. خارجي ها با دست باز در امور داخلي كشور ما مداخله ميكنند، آنهایی كه پول ميدهند حق هر نوع مداخله را هم براي خود محفوظ نگه ميدارند (آنانيكه نان ميدهند - فرمان ميدهند)، سفارتخانه هاي برخي از كشورها در پايتخت در مورد همه چيز تصميم ميگيرند. ما امروز نه تنها با تروريسم بي رحم مبارزه مي كنيم بلكه با آدم كشان تفنگ دار و جنگ سالار، مافيايي زمين، هيولاي مواد مخدر، پديده ناميمون رشوت و

رشوت گیری و مریضی بی درمان زن ستیزی و بنیاد گرایی که گلوی سی میلیون انسان وطن را با دستان کثیف و خون آلود اش میفشارد دست و گریبان هستیم.

تا چندی قبل اگر از نا امنی و بی نظمی و کشتار در کابل سخن زده میشد کسی چندان آنرا جدی نمیگرفت اما اکنون آتش جنگ از دروازه های پایتخت گذشته و امروز ترور و نا امنی در میدان هوایی بین المللی کابل، در دارلمان، در چهارراهی صحت عامه، در وزیر اکبرخان، در کارته پروان، در ادارات دولتی و غیردولتی و در مناطق به شدت محافظت شده چهره مینمایاند و قربانی میگیرد، عملیات های انتحاری که اغلب مراکز دولتی را نشانه می گیرند، رو به افزایش است. مردم ستمدیده ما که گریبانشان بار دیگر به چنگ "طالبان" افتاده، حق دارند نسبت به همه چیز شك کنند از وعده های کرزی تا توانایی و کفایت ناتو و از توانمندی دستگاه های جاسوسی غرب تا زد و بند جنرال های پاکستانی با "طالبان". پایتخت آخرین دژ اقتدار دولت و مرکز تصمیم گیری و سوق و اداره قوای ناتو و متحدین در نا امنی عمیقی فرو رفته است، در پهلوی خونریزی تروریزم، شاخ مالی و شاخ جنگی تشنگان قدرت و چپاولگران جنگ سالار و تفنگدار زندگی را بر مردم دوزخ ساخته اند و نتیجه انتخابات را بهانه قرار داده و بار دیگر بسوی جنون و آدمکشی گام بر میدارند. و کابل فاصله چندانی با روزگار تلخ قدرت نمایی جنگ سالاران ندارد. چیزی که بیشتر از همه مایوس کننده و زجر دهنده است، بریدن رشته های امید مردم پس از سه دهه آوارگی و بی خانمانی، چراغ زندگی را در وطن خود روشن کرده بودند.

هیچ ضربه ی به دولت کابل و خارجیان مستقر در کشور از این شدید تر نیست که ادامه زندگی و تحمل اوضاع برای پایتخت نشینان همانند بسیاری از نقاط کشور مشکل می شود. با افزایش شکستها و گسترش موج نا امیدی، رفتار نظامیان خارجی نیز از مدار اعتدال و اخلاق خارج می شود تا حدی که تلفات غیر نظامیان در حملات هوایی و زمینی نیروهای خارجی نگرانی های شدید را در داخل و خارج افزایش داده است. در این حملات بیشتر زنان و کودکان کشته و زخمی شده اند.

به عقیده بسیاری ها ابعاد جنگ به اندازه ی از کنترل اخلاقی خارج شده که مردم تفاوتی میان حملات خارجی و "طالبان" نمی بینند. سازمان بین المللی مهاجرت می گوید هزاران نفر از مردم مناطق دور افتاده، با افزایش درگیری ها میان نیروهای ائتلاف با "طالبان"، خانه هایشان را ترک میکنند. . اما دولت هیچ اقدام عملی برای توقف این چرخه خطرناک نکرده است. فقط پس از هر حمله ی کرزی، با انتشار يك اعلامیه درمورد این حادثه ابراز تأسف کرده و در آن از مردم خواست صبر و شکیبایی داشته باشند. دان دیپار چهره ضد جنگ در گفت و گو با تلویزیون روسیه امروز می گوید- آمریکا چشم خود را به روی این حقیقت که مردم افغانستان تمایل و آرزوی زیادی برای داشتن حاکمیت ملی خود دارند، بسته است و این علاقه و تمایل حتی با وجود موجودیت قوای خارجی از بین نرفته و ما مصداق این موضوع را در حمله سربازان کشور میزبان به نظامیان خارجی می بینیم و مردم خواهان خروج این نیروها از کشورشان هستند.

وی افزود یکی از اهداف طرح آمریکا در کشورهای که به طور کامل نمی تواند بر آنها تسلط پیدا کند، این است که با ایجاد اختلاف بین مردم آنها تلاش می کند منابع را به یغما ببرد و این سیاست را از ابتدای حضورشان اجرا می کند. در سال ۲۰۱۴ اردوی ملی افغانستان این فرصت را دارد تا مسائل امنیتی کشور را خود حل کند و دیگر نیاز به دستورات دیگران نخواهد بود.

آمریکا و افغانستان توافقنامه استراتژیک را امضای کنند که بر اساس آن نیروهای آمریکایی ده سال بعد از سال ۲۰۱۴ همچنان در کشور باقی خواهند ماند. بعد از صرف میلیاردها دلار در جنگ افغانستان، اکنون باید میلیاردها دلار دیگر برای حمایت از نیروهای امنیتی و توسعه اقتصادی این کشور هزینه کنیم. بعد از خروج رسمی، ما احتمالاً ۳۰ هزار سرباز آمریکایی را تا مدت نا معلومی در این کشور باقی خواهیم گذاشت. با گذشت سالها جنگ، صلح هنوز هم حتی در افق دور پدیدار نیست. ما باید بحث تغییر در استراتژی را آغاز کنیم. نفس اینکه مسئولیت های ناتو را به نیروهای داخلی واگذار کنیم و بگذاریم آنها با همان استراتژی پیش بروند که خود ناتو در آن ناکام بود، چیزی را عوض نمی کند. این راه موفقیت نیست.

نیروهای خارجی در افغانستان گرفتار شده است. سیاست خام و ناسنجیده آنان به فاجعه منتهی شد. این سیاست و اقدامات بی مورد اوضاع را وخیم تر کرده است. شش هزار و دو صد و پنجاه هموطن ما در درگیری های سال دو هزار و ده میلادی آسیب دیده اند و دو هزار و چهار صد و دوازده نفر بر اثر شدت صدمات و جراحات وارده جان خود را از دست داده اند.

همچنین در شرایط کنونی، هر روز بگونه متوسط هشت نفر در درگیریها کشته و دوازده نفر دیگر مجروح می شوند. هفتصد و یک نظامی خارجی در سال دو هزار و ده کشته شده و در افغانستان بیش از یکصد و پنجاه هزار نظامی خارجی در قالب نیروهای موسوم به ایساف و ناتو مستقرند.

یک موسسه پژوهشی وابسته به پوهنتون براون در آمریکا در گزارشی پیش بینی کرده که هزینه دو جنگ عراق و افغانستان و عملیات نظامی در پاکستان به چهار هزار و چهار صد میلیارد دلار خواهد رسید. این موسسه می گوید که این گزارش نتیجه یک مطالعه گسترده با همکاری پژوهشگران چندین پوهنتون آمریکا است. بر اساس برآورد این موسسه، هزینه این جنگ ها تا به امروز به مرز سه هزار و دو صد میلیارد دلار رسیده و دولت آمریکا تا زمان خروج کامل نیروهای آمریکایی از افغانستان بیش از هزار میلیارد دلار دیگر خرج خواهد کرد. این ارقام با برآوردهای رسمی دولت آمریکا از هزینه این جنگ ها بسیار متفاوت است. باراک اوباما گفته بود که این جنگ ها در طول ده سال اخیر نزدیک به هزار میلیارد دلار برای خزانه دولت این کشور هزینه داشته است.

علت این اختلاف فاحش در ارزیابی پژوهشگران براون و دولت آمریکا را باید در تعریف متفاوت آنها از هزینه های جنگ جستجو کرد. با جمع زدن میزان بودجه ی که کنگره آمریکا از زمان حملات یازده سپتامبر برای عملیات نظامی در افغانستان و عراق تصویب کرده است به رقم بیش از یک هزار و دو صد میلیارد دلار می رسیم که به ارزیابی رئیس جمهوری آمریکا نزدیک است. در مقابل ۲۰ اقتصاد دان و متخصصین علوم سیاسی و وکیل

که در این پژوهش پوهنتون براون شرکت کرده اند با یاد آوری این واقعیت که دولت آمریکا با نظر داشت کسری شدید بودجه در عمل همه هزینه این جنگ ها را با فروش اوراق قرضه به بانک های جهان و وام گرفتن تامین کرده است، می گویند که باید سود پرداخت شده به بیش از هزار میلیارد دلار را هم در محاسبه مصرف این جنگ ها به حساب آورد. این رقم تا اکنون نزدیک به دو صد میلیارد دلار بوده است و هر روز به آن اضافه می شود. آنها همچنین بخش مهم این گزارش را به هزینه انسانی جنگ اختصاص داده اند. سربازان زیادی آمریکایی در این دو جنگ آسیب دیده اند. درمان این تعداد زخمی جنگ و رسیدگی به سربازانی که با اختلالات روانی ناشی از سالها حضور در شرایط سخت عملیات نظامی دست و پنجه نرم می کنند، به همراه هزینه های بیمه و تقاعد مادام العمر برای این سربازان به بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید.

این پژوهش به مخارج غیر مستقیم اجتماعی و سیاسی این جنگ هم پرداخته است. از هزینه ساخت و اداره زندان های جدید در افغانستان و عراق تا رشد قدرت و نفوذ شرکت های پیمانکار آمریکایی طرف قرارداد اردوی این کشور و تاثیر گذاری آنها بر سیاست گذاری های دولت و کنگره آمریکا. مجموع قراردادهای وزارت دفاع آمریکا با این شرکت ها تا به امروز ۴۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. برآورد این مطالعه از رقم سربازان و پیمانکاران کشته شده آمریکایی در این دو جنگ بیش از هشت هزار نفر و قربانیان غیر نظامی افغان و عراقی نزدیک به صد و چهار هزار نفر است.

انتشار این گزارش چند روز پس اعلام تصمیم باراک اوباما برای خروج یک سوم نیروهای آمریکایی از افغانستان، می تواند به انتقادات بسیاری از هم حزبی های او که از اوباما خواسته اند با سرعت بیشتری به این جنگ خاتمه دهد شدت بخشد. این گزارش همچنین با به چالش کشیدن روش های محاسبه هزینه های جنگ توسط سیاستمداران در کاخ سفید و کنگره آمریکا به آنها توصیه کرده است که با شفافیت و صداقت همه هزینه های کوتاه مدت و بلند مدت عملیات های نظامی این کشور را در اختیار افکار عمومی قرار دهند تا تاریخ جنگ های پرهزینه با دست آوردهای محدود و ناپایدار تکرار نشود. با اینهم اگرچه در شروع روند انتقال مسئولیت های امنیتی از سربازان خارجی به نیروهای افغانستان تعداد ششصد و پنجاه سرباز آمریکایی از کابل خارج و به کشور خود باز گشتند اما در این مورد که آیا صد هزار سرباز آمریکایی تا سال ۲۰۱۴ میلادی واقعا افغانستان را ترک میکنند یا خیر، شک و تردید های فراوانی وجود دارد و تا کنون روند واگذاری مسئولیت های امنیتی در مناطق تعیین شده طبق اعلام قبلی جریان دارد، این پروسه از ولایت بامیان آغاز شد و سپس تامین امنیت شهر مهنترلام مرکز ولایت لغمان به نیروهای داخلی واگذار گردید، فردای آن نیروهای انگلیسی از شهر لشکرگاه مرکز ولایت نا آرام هلمند خارج شدند، بعداً سربازان ایتالیایی از شهر هرات در غرب افغانستان خارج گردیده و مسئولیت تامین نظم و امنیت این شهر را به نیروهای افغان واگذار کردند و روند انتقال مسئولیت ها رسماً در شهر مزار شریف نیز به مرحله اجرا در آمد و سربازان آلمانی مسئولیت تامین امنیت این شهر را به نیروهای داخلی واگذار کردند. ولایت بلخ با مرکزیت شهر مزار شریف چهارده ولسوالی دارد، نیروهای خارجی تنها از

محدوده ی شهر مزارشریف خارج شده اند و قرار است در داخل این شهر با تانکها و زرهپوش های خود گشت و گذار نکنند و دست به عملیات جنگی نزنند، ولسوالی های این ولایت از این امر مستثنی است، سربازان خارجی این حق را به خود محفوظ نگه داشته اند تا در ولسوالیهای چهارده گانه ی این ولایت حضور نظامی داشته باشند و عملیات های جنگی راه اندازی کنند.

ولایت بامیان نیز اگرچه امن ترین نقطه کشور محسوب میشود و مردم این ولایت برای دفاع از خود نیازی به نیروهای خارجی ندارند ولی با این حال والی بامیان میگوید این ولایت از ناحیه ولایات همجوار خود آسیب پذیر است.

به گفته والی بامیان ولسوالی تاله و برفک که از لحاظ تقسیمات اداری جزو ولایت بغلان میباشد به یکی از مراکز عمده تروریست ها تبدیل شده است و از آنجایی که این منطقه در نزدیکی بامیان موقعیت دارد "طالبان" مستقر در آنجا میتوانند امنیت بامیان را مورد تهدید قرار دهند.

همچنین ولایت نا آرام میدان وردک در مسیر راه بامیان به کابل موقعیت دارد و این مساله نیز یک نقطه تهدید برای امنیت بامیان محسوب میگردد چنانکه در همین میدان وردک بود که "طالبان" رییس شورای ولایتی بامیان را از موترش که از کابل باز می گشت ربوده و به قتل رساندند و جسدش را مثله کردند. در ولایت لغمان تنها امنیت شهر مهترلام مرکز ولایت و در ولایت هرات تنها امنیت داخل شهر هرات به نیروهای داخلی واگذار شده است. در ولایت لغمان تمامی ولسوالی های آن نا امن است و در ولایت هرات نیز حداقل چهار ولسوالی جزو مناطق پرخطر شناخته میشود.

از سوی دیگر شاید شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند از امنیت نسبی برخوردار باشد اما یقیناً هیچ یک از ولسوالی های آن از لحاظ امنیتی قابل اطمینان نیست. حدود ده هزار سرباز انگلیسی در طول ده سال نتوانستند "طالبان" و تروریستهای خارجی را از ولایت هلمند اخراج و امنیت این منطقه را تامین نمایند، امنیت کاذبی که در این ولایت وجود دارد بسیار شکننده و آسیب پذیر است. ولایت هلمند اکنون نیز مانند گذشته بزرگترین مزرعه ی کوکنار و مرکز تولید مواد مخدر جهان است. اگرچه مرحله نخست روند واگذاری مسئولیت های امنیتی به نیروهای داخلی پایان یافته است و برخی گمانه زنی های خوشبینانه نیز حاکی از آنست که سربازان امریکایی هم تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی از افغانستان خارج میشوند اما شواهد موجود در افغانستان عکس این گمانه زنی ها را ثابت میسازد :

- < سربازان امریکایی در برخی از مناطق کشور در حال ساخت و ساز استحکامات جدید نظامی هستند استحکاماتی که به نظر می رسد حداقل برای بیست سال آینده است.

- < مقامات امریکایی بارها گفته اند که از تجربه تلخ دهه هشتاد عبرت گرفته اند و این بار تا کار جنگ را در افغانستان یکسره نکنند از این کشور خارج نمی شوند یا بقول خود شان مردم افغانستان را تنها نمیگذارند.

- دولت امریکا از یکسو در عرصه تبلیغات از خروج نیروهای خود تا سال ۲۰۱۴ سخن میگوید ولی از جانب دیگر در صدد ایجاد پایگاههای دایمی نظامی در افغانستان است و حامد کرزی را برای امضای سند استراتژیک میان دو کشور تحت فشار گذاشته است. ایجاد پایگاه نظامی به معنای حضور درازمدت با اختیارات وسیع و نامحدود در افغانستان است. این شواهد نشان میدهد که امریکایی ها با وجود هزینه های سنگینی که در جنگ افغانستان متقبل میشوند به این آسانی و بدون دستاورد روشن و مشخص مانند اتحاد جماهیر شوروی از این کشور خارج نخواهند شد.

در مناطقی که تاکنون از وجود نیروهای خارجی تخلیه شده اند پرچم های کشورهای خارجی عضو ناتو پایین کشیده شده و به جای آن پرچم ملی افغانستان بر افراشته شده است این کار بیانگر آنست که در افغانستان جایی برای برافراشتن پرچم های بیگانه وجود ندارد، برافراشته شدن پرچم افغانستان به جای پرچم های بیگانه همچنین این معنا را می رساند که افغانستان در راستای کسب استقلال از دست رفته ی خود گام برمیدارد. افغانها امیدوارند که روزی فرارسد که در هیچ نقطه ی از کشورشان پرچم هیچ کشور بیگانه ی برافراشته نباشد.

مدتی بود مردم افغانستان نگران به نظر می رسیدند و گمان می کردند رئیس جمهورشان رای مقبولیت را از آنان گرفته اما کشورشان را دودستی تقدیم امریکاییان نموده و حتما در پس یک معامله بزرگ، توافق نموده است تا کشور به صورت دایمی در اختیار اجانب قرار بگیرد. ولی اعلان مواضع کرزی در نشست خبری مشترک با رئیس جمهور کرواسی کمی از وجود نگرانی های عمومی کاست و همگان را امیدوار نمود که گویا کرزی نمی خواهد بدون در نظر داشت آرای مردمی به هرکار خطرناکی دست بزند. چنانچه او در این نشست خبری گفت: فیصله کننده نهایی در راستای ایجاد پایگاه های دایمی نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان، مردم است و حکومت در آن زمینه صلاحیت ندارد.

برای ایجاد پایگاه های دایمی امریکا در افغانستان تعهد مردم، مجلس نمایندگان و سپس برگزاری لوی جرگه ضروری است. ایالات متحده امریکا برای ادامه روابط استراتژیک میان دولت افغانستان و کشورش خواهان ایجاد پایگاه های نظامی دایمی در این کشور شده، اما ایجاد این پایگاه ها در قدم نخست پیش شرط ایجاد صلح در کشور است.

برای ایجاد مراکز نظامی دایمی از سوی امریکا در افغانستان، با فیصله نهایی مردم و با در نظر داشت موافقت های کشور های همسایه صورت خواهد گرفت، چرا که دولت افغانستان می خواهد که همسایه های شان از حضور نظامی امریکایی ها در این کشور مطمئن باشند. عدم حمله شبانه نیروهای خارجی در داخل خانه ها و بدون هماهنگی، نبود مداخلات بیرونی، پیشبرد روند انتقال تامین امنیت به رهبری افغانها بر اساس تعهد صورت گرفته و مفاهمه کشورهای همسایه، از پیش شرط ها برای ایجاد دایمی پایگاه های نظامی در کشور خواهد بود.

ما در یک منطقه بزرگ زندگی می کنیم که پر از تشنج است با این حال تصمیم گیرنده ی نهایی در راستای ایجاد پایگاه های نظامی دایمی امریکا، ملت افغانستان است و حکومت این کشور صلاحیت ندارد و دفاع از خاک وظیفه

اول مردم است. اگرچه این اولین موضعگیری اینچینی رئیس جمهور نیست و ایشان بارها و در مقاطع مختلف بادر نظرداشت منافع و مصالح ملی تاکید ورزیده، از خود وجهه مستقل و طرفدار تمامیت ارضی به نمایش گذاشته است اما اتخاذ موضع جدی در برابر خواست امریکا در زمانی صورت می گیرد که به خصوص کشورهای عربی، همانها که حاکمان شان یکروز آب را هم بدون کسب اجازه واشنگتن نمی نوشیدند شاهد حوادث سرنوشت ساز می باشد.

شاید وی بیش از گذشته درک نموده باشد که راهی را که در پیش گرفته و تا کنون همواره داد از خواست مردم زده و مطالبات غربی ها به ویژه امریکایی ها را نادیده گرفته و در برابر شان محکم ایستاده است، کار درست و اصولی به نظر می رسد. همچنان با وجود هشدارهای مکرر کرسی مبنی بر توقف عملیات شبانه از سوی نیروهای خارجی، این نیروها نه تنها به این گونه عملیات حساسیت برانگیز خود در مناطق جنوب کشور همچنان ادامه میدهند بلکه دامنه آن را در شمال نیز گسترش داده اند. اجرای عملیات شبانه خارجیها در افغانستان فاصله عمیقی میان مردم و حکومت ایجاد کرد و عملیه حکومت داری را در کشور به یک پروژه ناکام تبدیل نمود.

www.esalat.org